

بررسی شخصیت شهید قاسم سلیمانی و نقش او در بازسازی عتبات عالیات

*عبدالرحیم ابادزی

چکیده

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از روستای «قнат ملک»، از توابع شهر کرمان، برخاست. با پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه آمد و در مدت کوتاهی به فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان منصوب شد. آن‌گاه از سوی رهبر معظم انقلاب، به فرماندهی نیروی قدس برون‌مرزی سپاه پاسداران منصوب شد. او توانست با مدیریت و درایت خود گروه «داعش» را در عراق و سوریه و منطقه ریشه‌کن کند.

یکی از برجسته‌ترین برکات‌های حاج قاسم سلیمانی، نقش او در عرصه بازسازی و توسعه حرم امامان معصوم علیهم السلام در عتبات عالیات است؛ او مؤسس ستاد بازسازی عتبات عالیات بود و فعالیت بی‌نظیر این ستاد، جلوه‌ای از مدیریت جهادی او و همکاران مخلص وی در این ستاد بود است.

واژگان کلیدی: حاج قاسم سلیمانی، نیروی قدس، داعش، ستاد بازسازی عتبات.

۱. محقق و نویسنده حوزه علمیه قم.



مقدمه

سردار سلیمانی به رغم اینکه همواره مأمور به مسئولیت‌های دشوار نظامی و امنیتی بود، در بازسازی و توسعه حرم‌های ائمه معصوم علیهم السلام در عتبات عالیات و حوزه فرهنگ نیز نقشی اثرگذار داشت. او نبوغ و استعداد و روح و جان لطیفی داشت و از وجودش خیرخواهی و محبت می‌جوشید و چنانچه صلابت و قاطعیتی هم داشت، آن را تنها در مقابل دشمنان اسلام بروز می‌داد. اخلاص در عمل – که از عبودیت و بندگی سردار سرچشمه می‌گرفت – او را در قله انسانیت نشانده و از وی انسانی ساخته بود که همواره برای یوستن به لقای الهی در حال حرکت بود و در یت هم به مقصد، مقصود و معشوق خویش دست یافت و به ملکوت اعلى پیوست.

امیر مؤمنان علی علیهم السلام در نامه ۳۸ نهج البلاغه، خطاب به مردم مصر در معرفی مالک اشتر می‌سنند:

من بندۀ‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی‌خوابد و در لحظه‌های ترس از دشمن روی بر نمی‌گرداند؛ بر ستمکاران از شعله‌های آتش تندتر است. او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه کند می‌شود و نه بی‌اثر می‌ماند. از وی پیروی کنید: اگر دستور حمله داد، حمله کنید و اگر به عقب‌نشینی امر کرد، مطیع باشید؛ چراکه وی در هر دو صورت بدون فرمان من عمل نمی‌کند. او را خیرخواه شما یافتم و قاطعیتش را در برابر دشمنانتان پسندیدم.

حضرت در این نامه تاریخی از جمله اوصاف مالک اشتر را عبودیت و بندگی، مطیع محض ولایت، شدید و قوی نسبت به دشمن، و خیرخواه نسبت به امت می‌شمارد که امروز می‌توان این ویژگی‌ها را در سردار سلیمانی یافت. در این مقاله فقط از باب ادای دین به این سرباز مخلص ولایت و خادم واقعی امت، در کنار اشاره ه حیات گهربرار وی، به گوشۀ‌ای از برکات حیات او در تأسیس و فعالیت ستاد عتبات عالیات پرداخته می‌شود.

حیات در خشان سلیمانی

۱. زندگی سلیمانی

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک، واقع در شهرستان رابر، از توابع کرمان به دنیا آمد. او دوران نوجوانی را به کارگری و بنایی مشغول بود و در کنار آن به تحصیلات ابتدایی و متوسطه ادامه داد. سپس به سازمان آب کرمان وارد شد و در آنجا به صورت پیمانکار خدمت خود را ادامه داد. او پس از پیروزی انقلاب، هم‌زمان با فعالیت در سازمان آب کرمان، به ویتِ مجموعه‌ای به نام سپاه افتخاری درآمد که بعدها موعده به سپاه پاسداران تغییر نام پیدا کرد. وی خرداد ۱۳۵۹ وارد سپاه شد. (مزدآبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۲)

سردار سلیمانی ابتدا به دلیل تجربه ورزش پرورش اندام، مدتی مربی پادگان آموزشی قدس کرمان شد و پس از شروع جنگ و حمله هوایی‌های عراقی به فرودگاه‌ها، مسئول حراست از هوایی‌های مستقر در فرودگاه کرمان گردید. سپس گردانی متشكل از نیروهای رزمی کرمان را تشکیل داد که کمی بعد به تیپ زرهی و نهایتاً به لشکر ۴۱ ثارالله تبدیل شد. او از ابتدای تشکیل این لشکر در سال ۱۳۶۱ تا رفتن به نیروی قدس در سال ۱۳۷۶ فرمانده این لشکر بود و در بسیاری از عملیات‌های سپاه در جنگ نقش کلیدی داشت. سلیمانی از فرماندهان عملیات‌های: والفجر هشت، کربلای چهار و کربلای پنج نیز بود. وی در عملیات مشترک ارتش و سپاه، به نام عملیات طریق القدس در غرب سوسنگرد، بر اثر انفجار گلوله خمپاره از دست راست و شکم به شدت مصدوم شد. دو انگشت وسط دست راست ایشان یادگار جراحت آن دوران بود. (همان، ص ۱۳؛ ویژه‌نامه چهلم، ۱۳۹۸، ص ۳)

سال ۱۳۸۴ در منزل شهید محمد روحیم‌پور وقتی که داماد بزرگ خانواده (جواد روح‌الله) از رهبر انقلاب درخواست می‌کند که ان شاء الله فردای قیامت همه ما را، که اینجا هستیم، شفاعت کنید، امام خامنه‌ای می‌فرماید:

ما چه کارهایم که شما را شفاعت کنیم! پدر و مادر شهید باید من و شما را شفاعت کنند.... ما سعادتمان به این است و آرزویمان به این است مشمول شفاعت خوبانی از قبیل این شهدا و امثال اینها باشیم.

بعد رهبر انقلاب خم می‌شوند و با نگاهی به حاج قاسم سلیمانی می‌گویند: این آقای حاج قاسم هم از آنهاست است که شفاعت می‌کند انشاء الله.... [حاج قاسم] سر پایین می‌اندازد و با دو دست صورتش را می‌پوشاند. بله! از ایشان قول بگیرید؛ به شرطی که زیر قولشان نزنند! [همه می‌خندند؛ همه به جز سردار مانی که خجالت‌زده سر به زیر اندخته]. چون امکانات ایشان، امکانات قول دادن و شفاعت کردنشان، الان خیلی خوب است. (نی حالت مجاهدت او در جهاد اصغر و اکبر) اگر همین را بتوانند نگه بدارند، مثل همین چهل، پنجاه سالی که نگه داشته‌اند، خیلی خوب است. این هم یک هنری است که ایشان دارند... (کریمانه، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰)

سلیمانی ساده‌زیست بود و هیچ گاه از این خواسته‌پسندیده دست نکشید؛ حجت‌الاسلام آقای علی شیرازی، نماینده ولی فقیه در سپاه قدس، درباره زندگی اقتصادی سلیمانی می‌گفت که او در دوران فعالیتش هیچ حق مأموریتی نگرفت و گاهی به من می‌گفت که من در خرج زندگی زن و بچه خود می‌مانم. حجت‌الاسلام مجید انصاری نقل کرد که سردار فاقد منزل مسکونی در تهران بود و تا آخر هم در خانه سازمانی سپاه، و بسیار ساده زندگی می‌کرد و اتاق پذیرایی ایشان به موزه شهدا بیشتر شبیه بود. فرزندان و داماد ایشان هم همین‌طور. اهل استفاده از رانت و چنین مسائلی نبودند. (حریم امام، ۱۳۹۸، ص ۱۳)

سلیمانی به شدت به رعایت حق‌الناس پایبند بود؛ سردار فلاحت‌زاده، معاون هماهنگ کننده سپاه قدس و استاندار سابق یزد، در مسجد روضه محمدیه (حظیره) یزد گفت: «یک بار حاج قاسم، آن هم خصوصی، به من گفت: «تا کنون حتی یک قدم هم برای گرفتن پستی برنداشتم». با این وجود حاج قاسم در مقابل کاری که به او سپرده می‌شد بسیار مسئولیت‌پذیر و خستگی‌ناپذیر بود. چندین مرتبه حاج قاسم تا مرز شهادت پیش رفته بود و مورد هجوم مستقیم رگبار، انتشاری و قناصه دشمن قرار گرفته بود.

سردار سلیمانی برای صاحب منزلی که در عملیات آزادسازی بوکمال در دیرالزور سوریه، به عنوان مقر استفاده کرده بودند، نامه‌ای نوشت و در آنامه برای استفاده بدون اجازه از

خانه عذرخواهی کرد و گفت:

ما به اهل سنت در همه جا خدمات زیادی انجام داده‌ایم. من شیعه هستم و شما سنی هستید. اما من هم به نوعی سنی هستم؛ زیرا به سنت رسول خدا^{علیه السلام} اعتقاد دارم و ان شاء الله در راه او حرکت می‌کنم... و شما هم به نوعی شیعه هستید؛ زیرا اهل بیت^{علیهم السلام} را دوست دارید... اولاً از شما عذر می‌خواهم و امیدوارم عذر مرا پذیرید که خانه شما را بدون اجازه استفاده کردیم؛ ثانیاً هر خسارتنی که به منزل شما وارد شده باشد، ما آماده پرداخت آن هستیم. من در خانه شما نماز خواندم و دو رکعت نماز هم به نیت شما خواندم و از خداوند متعال خواستارم که عاقبت به خیر شوید. (کanal تلگرامی سردار سليماني)

۲. اندیشه‌های سليمانی

سلیمانی معتقد بود:

اگر آرزوی شهادت دارید، اگر دوست دارید شهید شوید، اول باید شهیدانه زندگی کنید تا به آن مقام والای شهادت نائل شوید. مثالش مانند کسی است که اول ماید علم بیاموزد، بعد تلاش کند، بعد عالم شود. پس شهادت تنها آرزو نیست که هر وقت خواستید به آن دست پیدا کنید؛ باید تلاش کنید، برای آن بجنگید آن هم با شیطان نفست. به خدا نزدیک شوید و درست عمل کنید تا به سرمنزل مقصود برسید. بله درست است! پس اول برای شهید شدن باید اعمال و زندگیمان رو درست کنیم تا به آن مقام والای شهادت، عاقبت به خیری در دنیا و آخرت است، برسمیم. (فایل صوتی و کanal تلگرام)

وی یک انقلابی راستین و واقعی بود و انصاف و اخلاق را حتی در مورد مخالفان رعایت می‌کرد. به فرموده رهبری، حاج سم یک مکتب بود و اخلاصش وی را محبوب دل‌ها کرد.

حاج قاسم می‌گفت:

ما اگر ولایت فقیه نداشتمیم، در همان روزهای اول انقلاب کارمان تمام بود. ما اگر و یت فقیه نداشتمیم، در همه این بحران‌ها کارمان تمام بود. این پاکستان را نگاه

کنید! ان کشور دارای بمب هسته‌ای را چطور تحریرش کردند؟! مچاله‌اش کردند؛ در هم شکستنش! امام، اسلام‌شناس بزرگی بود و با دقت کانون‌های این حکومت را بر بنای اسلام بنا گذاشت. بدون ولایت فقیه، حکومت اسلامی معنایی ندارد؛ به این دلیل فرمود پشتیبان ولایت فقیه باشد تا به کشور آسیبی نرسد. (همان، ص ۱۵۹)

وی در وصیت‌نامه‌اش – که در چهلم شهید انتشار یافت – از مسئولین خواست که پیرو فقیه باشند. بعد بسیار متواضع‌انه، محترمانه و مؤدبانه از مراجع عظام تقليد درخواست کرد که از اصل ولایت فقیه و شخص مقام معظم رهبری حمایت جدی و مستمر داشته باشند. (جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۶) حاج قاسم ذوب در ولایت بود و در اطاعت و ارادت به رهبری اندکی تردید و شک به دل راه نداد و به یقین، ان رمز موفقیت و اقتدار به خیری او شد.



۳. برکات حیات حاج قاسم

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ شمسی، لشکر ۴۱ ثارالله، به فرماندهی سه‌یمانی، به کرمان بازگشت و در گیر جنگ با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر – که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند – گردید. قاسم سه‌یمانی به مدت نه سال این مسئولیت خطیر را عهده‌دار بود. وی در ضمن آن، مسئول تأمین ایت شرق کشور نیز بود. وی در آن دوران، طی ابتکار عملی که از خود به یادگار گذاشت، به اشرار منطقه امان‌نامه داد و آنجا را پاکسازی و اشرار را مجبور به تسليم کرد. به خاطر اینکه به اشرار امان‌نامه داده بود، حتی وقتی آنها به دادگاه

می‌ردد نیز پیگیری می‌کرد که کارهای قضایی صورت نگیرد و اگر هم اتفاق می‌افتد، تلاش می‌کرد که آنها تبرئه شوند و مشکلی برای آنها ایجاد نشود. (افضلی، ۱۳۹۸) شهید حاج قاسم در این مورد خاطره شنیدنی دارد و چنین نقل می‌کند:

یکی از اشرار بزرگ سیستان و بلوچستان را – که سال‌ها به دنبالش بودم و هم در مسئله قاچاق مواد مخدر خیلی فعالیت می‌کرد و هم تعداد زیادی از بچه‌های ما را شهید کرده بود – با روش‌های یچیده اطلاعاتی برای مذاکره به منطقه خاصی دعوت کردیم و پس از ورود آنها به آنجا او را دستگیر کردیم و به زندان انداختیم. خیلی خوشحال بودیم. او کسی بود که حکم‌ش مثلاً پنجاه بار اعدام بود. در جلسه‌ای که خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودیم، من این مسئله را مطرح کردم و خبر دستگیری و شرح ما وقوع را به ایشان گفتم و منتظر عکس‌العمل مثبت و خوشحالی ایشان بودم. رهبری بلاfaciale فرمودند: «همین الان زنگ بزن آزادش کنند!» من بدون چون و چرا زنگ زدم؛ اما بلاfaciale با تعجب بسیار پرسیدم: «آقا چرا؟ من اصلاً متوجه نمی‌شوم که چرا باید این کار را می‌کردم؟ چرا دستور دادید آزادش کنیم؟» رهبری گفتند: «مگر نمی‌گویی دعوتش کردیم؟» بعد از ان جمله من خشکم زد. البته ایشان فرمودند: «حتماً دستگیری کنید» و ما هم در یک عملیات سخت دیگر دستگیری کردیم. مرام شیوه این است که کسی را که دعوت می‌کنی و مهمان تو است، حتی اگر قاتل پدرت هم باشد، حق نداری او را آزار بدھی». (مزدادی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲)

سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶، با حکم رهبری، هم‌زمان با اوج‌گیری طالبان در افغانستان، فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. او با تجربه‌ای که از جنگ داخلی کردستان داشت، گزینه‌ای مناسب برای ائولیت خطیر بود؛ چون بنا بود در افغانستانِ عصر طالبان، که درگیر جنگ‌های داخلی بود، وارد عمل شود. از همه مهم‌تر اینکه سلیمانی در هشت سال جنگ با عراق و نیز مبارزه با باندۀای مواد مخدر در مناطق مرزی ایران و افغانستان تا پیش از انتصابش به فرماندهی سپاه قدس، تجربه زیادی اندوخته

بود. او در چهارم بهمن ۱۳۸۹ درجه سرلشکری خود را از رهبری در فت کرد و معظم له در تقدیرش، حاج قاسم را «شهید زنده» نامید. (ویژه‌نامه چهلم، ص ۳)

یکی از کشورهای مهمی که به دلیل اشتراکات مذهبی، فرهنگی و زانی همیشه برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بوده، کشور افغانستان است. بنابراین نیروی قدس سپاه با پی بردن به این اهمیت و رنج و مشقت‌هایی که مسلمانان افغانستانی متحمل می‌شدند، به یاری رسانی به آنها اقدام کرد.

در گیری نیروهای قدس سپاه پاسداران از سال‌های هجوم شوروی سابق در منازعه مسلحانه افغانستان در اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع شد. یکی از نخستین کارهای بزرگ نیروی قدس سپاه پاسداران، ایجاد گروه‌های مجاهد شیعی به نام احزاب هشتگانه بود که بعدها زیر پرچم حزب وحدت اسلامی [افراد برجسته‌ای مانند عبدالعالی مزاری، برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود] ائتلاف کردند؛ با توجه به جمعیت عمدتاً سنی مذهب افغانستان، نیروهای قدس به شیعیان افغانستان اکتفا نکردند و رابطه تنگاتنگ خود را با گروه‌های سنی گسترش دادند. جمعیت اسلامی افغانستان، به رهبری برهان الدین ربانی، رئیس جمهور فقید ان کشور و احمد شاه مسعود، فرمانده معروف مجاهدین، روابط دیرینه‌ای با بخش برون‌مرزی سپاه پاسداران داشته است. در ان میان سردار سیدحسین موسوی، فرمانده قرارگاه انصار، سردار اسماعیل قاآنی و سردار حاج قاسم سلیمانی، از نام‌های آشنا در میان ظامیان افغانستانی هستند. (خبر آنلاین، ۱۳۹۸)

افغانستان همیشه یکی از میدان‌های نبرد خارجی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. سردار سی‌یمانی، که از همان ابتدا توجه خاصی به همسایه شرقی ایران داشت، با سرنگونی نظام تحت حمایت شوروی و پیروزی مجاهدین، رفت و آمد به مناطق مختلف افغانستان را شروع کرد؛ اما طولی نکشید که طالبان بر بخش اعظم کشور چیره شد و سپاه قدس، تحت فرمان سلیمانی، از جناح مقاومت به رهبری احمد شاه مسعود حمایت کرد. با سقوط کابل به دست طالبان، مرکز مقاومت در شمال افغانستان در پنجشیر شکل گرفت و میمانی میهمان

افغانستانی‌ها بود. (همان)

از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سے مانی بر نیروی قدس، تقویت حزب الله لبنان و گروههای مبارز فلسطینی بود که نمودنی آن را در نبردهای متعددی از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه ملیه ارتش مجہز اسرائیل مشاهده شد. در واقع حاج قاسم سلیمانی توانست استراتژی جمهوری اسلامی، یعنی کمک به گروههای مبارز علیه اسرائیل را به خوبی دنبال کند و هر روز در این مسیر گام‌های دگری بردارد. شاید یکی از اهداف اصلی دشمنان برای سقوط سوریه، قطع کردن ارتباط ایران و حزب الله لبنان بود؛ ولی با شکست داعش و نقش آرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، یک حلقه مستحکم به نام حلقه مقاومت تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد. از سوی دیگر حضور فرمانده نیروی قدس سپاه در جنگ ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی، از نقاط دیگر مهم و عملیاتی این نیرو در چند دهه گذشته است. (ویژه‌نامه چهلم، ص ۳)

سید حسن نصرالله در این مورد می‌گوید:

آشنایی من با حاج قاسم به سال ۱۹۹۲ میلادی بر می‌گردد. هنگامی که حاج قاسم فرمانده نیروی قدس شد، به لبنان آمد... اشان منتظر نشد ما به ایران بروم و به او ریک بگوییم؛ خودش به لبنان آمد و با رهبران مقاومت روابط ویژه‌ای را پایه‌گذاری اساسی کرد؛ خیلی سریع با ما خودمانی شد؛ خیلی سریع عربی یاد گرفت... همیشه با شادی ما شاد، و با ناراحتی ما ناراحت می‌شد؛ رابطه‌اش با ما این گونه بود. واقعاً ان روابط یک نمونه برجسته است. یکی از دلیل پیشرفت کمی و کیفی مقاومت حزب الله پیگیری‌های جدی حاج قاسم بود؛ حاج قاسم اولین شریک این پیروزی‌ها بود. لبنان زر آتش و بمباران است! ولی او گفت: «نمی‌توانم شما را تنها بگذارم». تمام روزهای جنگ را حاج قاسم در کنار ما بود... او زیر بمباران و موشک‌باران در کنار ما بود؛ می‌توانست جاهای امن برود، می‌توانست برود تهران

و از آنجا با ما مرتبط می‌بود؛ ولی او در کنار ما و در اتاق عملیات ما بود. او به من می‌گفت: «سیدجان! یا با شما زنده می‌مانم یا شهید می‌شوم؛ تا پایان جنگ ۳۳ روزه با ما بود». (کanal تلگرامی سردار سلیمانی، ۱۳۹۸)

علاوه بر این به گفته یکی از مقامات ارشد حماس، سردار شهید سلیمانی و شهید عmad مغنية، فرمانده قید نظامی حزب الله لبنان، مبتکر ایجاد تونل در نوار غزه برای ارتباط با خارج این منطقه بودند و حتی به گفته سامی ابوزهربی، یکی از مقامات حماس سردار سلیمانی بارها به غزه سفر کرده بود. (همان)

۴. نبرد با داعش و نابودی آن

نیروی قدس سپاه به فرماندهی سردار رشید اسلام، حاج سم سلیمانی، قهرمان جنگ علیه داعش و نماد مبارزه علیه تروریسم در سوریه و سرتاسر منطقه است. داعش، که رؤیای خلافت از شام تا خراسان را در سر می‌پروراند، با سد محکمی به نام نیروی قدس سپاه روبه‌رو شد. سپاه قدس در شرایط بسیار دشوار عراق و سوریه به یاری طیف‌های مختلف مردم این دو کشور - یعنی کردها، شیعیان و سنی‌ها - شتافت و نع پیشرفت داعش شد. به رغم اختلافات سیاسی جاری در عراق و سوریه و نیز وجود نگرش‌های مختلف، حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه از مقبولیت، محبوبیت و احترام بالایی برخوردار است که پیام تسلیت همه گروه‌های سیاسی عراق و سوریه، اعم از شیعه و سنی و کُرد، و حضور پرشور مردم عراق در تشیع پیکر مطهر سردار سلیمانی و حضور برخی مراجع و روحانیان دیپایه نجف و کربلا در مراسم بزرگداشت ان شهید بزرگوار و ابومهری المهندرس، دلایلی برای اثبات این مدعای محسوب می‌شوند. (خبر آنلاین، ۱۳۹۸)

پس از یورش داعشیان در ژوئن ۲۰۱۴ (خرداد ۱۳۹۳) به شمال عراق و اشغال برخی از شهرهای این کشور، از جمله موصل و کریت و از هم پاشیده شدن ارتش عراق و ناتوانی نیروهای مسلح این کشور در نبرد با داعش، روزنامه ساندی ایمز انگلیس، وال استریت ژورنال و نیویورک تایمز مدعی شدند ایران فرماندهی ارتش از هم فروپاشیده عراق را بر عهده گرفته

تا با نیروهای گروه تروریستی داعش مقابله کند. سم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، به درخواست مسئولان عراقی عملیات دفاع از بغداد را، در مقابل حملات تروریستی داعش، فرماندهی می‌کرد. سلیمانی با ۶۷ مشاور ارشد خود به عراق سفر کرد و ماندهی عملیات‌ها را بر عهده گرفت و بر استقرار نیروهای عراقی و برنامه‌ریزی برای عملیات، ناظارت داشت. در مدت حضورش در عراق نسبت به آزادسازی مناطقی مانند تکریت، جرف الصخر، موصل و حفظ و حراست از شهرهای سامرا و کربلا از چنگ داعش و جلوگیری از سقوط شهر اربیل، نقش محوری داشت. (ویژه‌نامه چهلم، ص ۳)

حاج قاسم در مسائل عراق مشاوری امین برای دولت بود و مسئولان دولتی با اعتمادی که به وی داشتند، همواره با ایشان در ارتباط بودند؛ ا. ر عبداللهان در این مورد می‌گوید:

من با سردار سلیمانی و تیمی که در حوزه سیاست خارجی و امنیتی کشور عالیت می‌کنند، از سال ۷۰ که وارد وزارت خارجه شدم، ارتباط داشتم که به تحولات عراق و ارتباط سردار سلیمانی با پرونده عراق، همچنین ارتباط مستقیم بخش‌های سیاسی-امنیتی کشـورمان با تحولات عراق بر می‌گردد. در موضوعات حساس امنیتی-سیاسی، هر زمان که در وزارت خارجه می‌خواستم به مذاکره‌ای دو جانبی یا چندجانبه برای سوریه، عراق و راجع به مسائل اساسی منطقه بروم، پس از برگزاری جلسات کارشناسی با مدیران و کارشناسان سیاسی، بین‌المللی، حقوقی وزارت خارجه و اخذ راهبردها از دبیرخانه شـورای عالی ایت ملـی، حتماً اول با وزیر خارجه صحبت می‌کردم. سپس در موضوعاتی که در حوزه سردار سلیمانی بود، نظر سردار سلیمانی را می‌گرفتم و در جریان آرین تحولات قرار می‌گرفتم و از مشورت‌های ایشان استفاده می‌کردم. (عبداللهان، ۱۳۹۸)

کمک به نیروی کردستان عراق برای مبارزه با داعش هم نقطه مهمی در کمک‌های عملیاتی نیروی قدس به دیگر مبارزان علیه نیروهای تکفیری است. به نقل از رسانه‌های اقلیم کردستان عراق، در مردادماه ۱۳۹۳، سلیمانی نسبت به حمله داعش به اربیل هشدار می‌دهد. به دنبال

یورش داعش در ۱۶ مرداد ۱۳۹۵، بارزانی از آمریکا و ترکیه تقاضای کمک می‌کند. دو روز بعد، جنگنده‌های آمریکایی در اربیل به پرواز درمی‌آیند. این در حالی است که ۴۸ ساعت قبل از پیوستن جنگنده‌های آمریکایی به عملیات دفاع از اربیل، نی از نیروهای ویژه به مدهی سليمانی و بنا به درخواست شخص بارزانی در کنار پیشمرگان کُرد در حال نبرد با داعش بودند. (خبرگزاری خبر آنلاین، ۱۳۹۶) در آن مورد وقتی خبرنگار از بارزانی می‌پرسد: «ما می‌دانیم که اربیل به دست داعش در حال سقوط بود؛ چه اتفاقی افتاد که داعش نتوانست وارد شهر شود؟» بارزانی در جواب می‌گوید:

بله همه می‌دانند که داعش به دروازه‌های اربیل رسیده بود و بیم آن می‌رفت که شهر به زودی اشغال شود. من پس از حمله داعش با آنکایی‌ها، ترک‌ها، انگلیس، فرانسه و حتی عربستان تماس گرفتم که همه مقامات این کشورها در جواب گفتند که فعلًاً هیچ کمکی نمی‌توانند بکنند.

وی افزود:

فوراً با مقامات ایرانی تماس گرفتم و به آنها صریحاً گفتم که شهر در حال سقوط است؛ اگر نمی‌توانید کمکی کنید، ما شهر را تخلیه می‌کیم؛ مقامات ایرانی فوراً شماره تماس سردار د شهید سليمانی را به من دادند و گفتند حاج قاسم نماینده تمام اختیار ما در امور مبارزه با داعش است؛ فوراً با حاج قاسم تماس گرفتم و اوضاع را دقیق شرح دادم. حاج قاسم به من گفت: «من فردا صبح، بعد از نماز صبح، اربیل هستم». به او گفتم فردا دیر است؛ همین حالا بیایید. حاجی گفت: «کاک مسعود فقط امشب شهر را نگهدار». فردا صبح حاج قاسم در فرودگاه اربیل بود و من به استقبالش رفتم. حاجی با پنجاه نیرو آمده بود. آها سریعاً به محل درگیری رفتند و نیروهای پیشمرگ را سازماندهی دوباره کردند و در عرض چند ساعت ورق به نفع ما برگشت. در ضمن کمک‌های تسليحاتی ایران نیز به ما رسید. حاج قاسم چند نفر از نیروهای خود را برای مشاوره نظامی در ارگداشت و خودش

به کربلا بازگشت.

بارزانی اضافه کرد:

بعدها که یک فرمانده داعش را اسیر کردیم و از او پرسیدیم چگونه شد شما که در حال فتح اربیل بودید، به یک باره عقب نشستید، این اسیر داعشی گفت: «نفوذی‌های ما در اربیل به ما خبر دادند قاسم سلیمانی در اربیل است؛ لذا روحیه افراد ما بهم ریخت و عقب نشستیم».

به دنبال دفع خطر داعش، مسعود بارزانی شخصاً نامه تشکر برای ریاست جمهوری ایران با این مضمون فرستاد که ایران بار دیگر در سخت‌ترین شرایط به دفاع از اقلیم کردستان عراق برخاسته است. (همان)

نیروی برون‌مرزی قدس، به فرماندهی حاج قاسم، اگر چه حضور مستقیم در مبارزه جبهه مقاومت یمن با ائتلاف عربی- سعودی ندارد، اما بنا بر درخواست انصار الله، کمک مستشاری به انصارا یمن ارائه می‌دهد؛ به همین سبب وی در میان مجاهدان و مبارزان یمنی جایگاه والایی را به خود اختصاص داده بود.

نیروی قدس سپاه با اشراف کامل به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اکم بر پاکستان و تأثیرگذاری این کشور بر ایت مرزهای شرقی ایران، برای مبارزه با گروهک‌های تکفیری، حمایت عربستان و برای تأمین امنیت مرزهای کشورمان و قاچاقچیان و تروریست‌های حمایت از شیعیان پاکستان، فعالیت جدی داشت. از این‌رو محبوبیت نیروی قدس و حاج قاسم در میان شیعیان پاکستان به قدری است که پاکستانی‌ها در مبارزه با داعش حاضر شدند تحت حمایت نیروی قدس از حریم اهل بیت علیهم السلام در عراق دفاع کنند. گردان «زینبیون» گروه نظامی سازماندهی‌شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران و پاکستان تشکیل داده‌اند. این گردان پس از حمله گروهک تروریستی «داعش» به عراق و با حمایت نیروی «قدس» سپاه راهاندازی شد. (همان)

در روز پنجم شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۶ قاسم سلیمانی طی سخنرانی در مراسم چهلمین روز

شهادت مرتضی حسین پور سلیمانی با یادآوری یامش به مناسبت کشته شدن محسن حججی و وعده انتقام در آن، بیان داشت که «کمتر از سه ماه دیگر اعلام پایان داعش و حکومت داعشی در این کره خاکی خواهد بود. دو ماه بعد و در ۳۰ آبان ۹۶، سلیمانی در پیامی به حضور رهبر معظم انقلاب، با اشاره به «اتمام عملیات آزادسازی بوکمال از سرنگونی و پایان حیات سیاسی داعش خبر داد و آن را به عنوان یک «پیروزی بسیار بزرگ و سرنوشت‌ساز» به رهبری تبریک گفت. سردار سلیمانی در آن پیام با «آمریکایی - صهیونیستی» خواندن داعش، خسارت‌های ناشی از عملیات این گروه در عراق و سوریه را پانصد میلیارد دلار برآورد کرد و «طراحی و اجرای» آنها را به «رهبران و سازمان‌های مرتبط با آمریکا» نسبت داد. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸)

رهبر معظم انقلاب نیز با ارسال نامه‌ای به سلیمانی، ضمن تبریک به وی، گفت: «شما با متلاشی ساختن توده سلطانی و مهلك داعش نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام که به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸)

سپس در ۱۹ اسفند ۱۳۹۷، رهبر معظم انقلاب نشان ذوالفقار را به قاسم سلیمانی تقدیم کرد. وی او ن فرماندهی بود که در طول پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نشان را دریافت می‌کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

۵. شهادت سلیمانی

سرانجام سردار سلیمانی به همراه ابو‌مهدی المهندس و چند نفر از همراهان، روز سیزدهم دی‌ماه ۱۳۹۸، هنگام ورود به عراق و زمانی که با دو خودرو از فرودگاه بین‌المللی بغداد می‌خواستند خارج شوند، هدف بالگردانهای آمریکایی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. در پی شهادت سردار دل‌ها و همراهان ایشان، رهبر معظم انقلاب طی پیام مهمی خطاب به ملت ایران از سردار چنین یاد کردند:

سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و

سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسليت عرض می‌کنم. او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود؛ او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود. با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد؛ ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه دیشب آلودند. شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دلبستگان مقاومت خونخواه اویند. همه دوستان - و نیز همه دشمنان - بدانند خط جهاد مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است، ولی ادامه مبارزه و دیافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و ایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد. ملت ایران یاد و نام شهید عالی مقام سردار سپهبد اسم سلیمانی و شهدای همراه او، به ویژه مجاهد بزرگ اسلام جناب آقای ابو‌مهدي المهندس، را بزرگ خواهد داشت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

ستاد بازسازی عتبات

۱. تأسیس ستاد

سردار قاسم سلیمانی پس از سرنگونی صدام در کنار فعالیت‌های خود در جهت انجاد رفاه و ایت مردم عراق، به تأسیس ستاد بازسازی عتبات اقدام کرد و در این مسیر خدمات شایسته‌ای داشت؛ به گونه‌ای که نه تنها حرم‌های مطهر ائمه معصومین علیهم السلام در عراق توسعه یافت، بلکه برنامه‌های بازسازی این حرم‌ها توسط مهندسان و کارگران ایرانی در قالب ستاد بازسازی عتبات همچنان ادامه پیدا کرد. آقای یوسف افضلی، معاون ستاد بازسازی عتبات عالیات در این باره می‌گوید:

زمانی که مسئولیت بازسازی عراق را به حاج قاسم دادند، پس از تشرف به نجف اشرف تصمیم می‌گیرد که حرم ایرالمؤمنین علیها السلام را زیارت کند. تعریف می‌کرد که وقتی سمت حرم می‌رود، در حرم بسته بود و با پیگیری خدام در را باز کردند و وارد حرم می‌شود. وقتی سمت ضریح می‌رود، می‌بیند روی ضریح گرد و غبار است. دلش می‌شکند و با دیدن ایران غربت تصمیم می‌گیرد که ستاد بازسازی عتبات را راهاندازی کند. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸).

سردار سلیمانی خود در این باره چنین گزارش می‌دهد:

زمانی که جنگ اول نجف اتفاق افتاده بود، من آنجا بودم. در نجف زائری نبود و شاید مجموعه آدمهایی که در روز در حرم بودند، در شلوغترین و عیت به سی نفر نمی‌رسید. کاملاً یک حالتی احساس می‌شد که ضریح این حرم از زیر خاک بیرون آمده؛ مثل دوره‌ای که گفته می‌شود امام صادق علیه السلام، حرم ایرالمؤمنین علیها السلام را نشان دادند و نمایان کردند. چنین حالتی در نجف و کربلا بود! فضای متروکه و گردگرفته، غیرمناس— با چنین جایگاه و مقامی بود. در آن موقع ما به فکران افتادیم ستادی را راهاندازی کنیم که این ستاد (ستاد بازسازی عتبات) راه افتاد و با حرکت‌های بعدی و نمایاندن بعضی از اقدامات و بازشدن راه و حرکت مردم به سمت کربلا، نجف و این اوخر به سامرا و کاظمین، دل‌های مردم بیشتر به این حجم تحرک با همت شما شوق گرفت. یک تحرک شگرف‌تری رخ داد و مردم هم اعتماد کردند و کارهای بزرگتری اتفاق افتاد. اگر بخواهم در چند جمله ماندگار این عمل را عریف کنم، نکته باید اشاره کنم که به آن اعتقاد دارم: اولاً اقدامی که در اینجا یعنی ستاد با برکت صورت گرفت، یک عمل کوثرانه را انجام داد؛ یک صدقه فوق العاده جاریه. لذا مهم‌ترین کار این ستاد، این است که ماندگارین کار تاریخ انقلاب را در عراق به یادگار گذاشت. ما عملی ماندگارتر از این در خارج از کشور در بُعد معنوی [نداریم]. لمب همه تشیع و حتی سنی در عشق به امام

حسین علیه السلام [می‌تپد]، آنقدر دیده‌ام کسانی که در وجودشان عشق به امام حسین علیه السلام و ایرالمؤمنین علیه السلام شعله‌ور است که یقیناً نه تنها از برخی از شیعیان کمتر نیست، یقیناً از برخی شیعیان فزوئی دارد. ستاد کاری کرد که ایران همزمان با دیدن و بوسیدن ائمه معصومین علیهم السلام و عتبات مقدسه در عراق، ایران هم دیده شود. نکته بعدی ستاد مردمی ترین عملی بود که در یک چارجوب انقلابی در چند سطح متفاوت از هم، توانست ترکیب مقدس و مهم را بجاد کند. کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام، اولین بار نام ز بای صحن مطهر فاطمه علیه السلام اتصال به (حرم) علی بن ابی طالب علیه السلام یدا کرد. این ستاد قیقتاً نماد، شعله و شعبه‌ای از آن کوثر الهی است. هر عمل مخلصانه‌ای همین کوثر است. شاید به اندازه عمر کارهای صورت گرفته، کار باقی‌مانده مهم وجود داشته باشد. من از آرزوها یم این بوده و نمی‌دانم تحقق پیدا می‌کند یا نمی‌کند؛ اما با همت ملت ایران قابل تحقق است. با پیگیری و همت این ستاد قابل تحقق است و آن خارج کردن همیشگی سامرا از غربت است. (فایل صوتی حاج قاسم، ۱۳۹۸)





۲. نظارت و مدیریت باسازی

با شکل‌گیری ستاد بازسازی عتبات، و با کمک‌های مردمی، ۱۵۰ پروژه بازسازی و مرمت در حرم ائمه اطهار علیهم السلام انجام شده است؛ آقای یوسف افضلی، معاون ستاد بازسازی عتبات عالیات، ضمن اشاره به این حجم از فعالیت‌ها، می‌گوید:

احداث صحن حضرت زهراء علیها السلام با مترأژ ۲۲۰ هزار متر مربع و صحن حضرت زینب علیها السلام با مترأژ ۱۳۵ هزار متر مربع، توسعه حرم کاظمین و این اواخر توسعه حرم سامرها از جمله طرح‌های ستاد بازسازی عتبات در عراق به شمار می‌رود. حدود بیست روز پیش از شهادت سردار سلیمانی، در جمع خانوادگی که بودیم، با توجه به وضعیت عراق از اشان پرسیدم که با این اوضاع عراق باید چه کنیم؟ ایشان گفت: «یک روز هم نباید این اقدامات تعطیل شود. این کار برای اهل بیت علیهم السلام است و ماندگارترین کار ان است که توسعه و بازسازی حرم‌ها ادامه

یابد و برای حضور زائران آماده شود؛ به ویژه برای اربعین که آغاز تمدن اسلامی

به شمار می‌رود». (افضلی، ۱۳۹۸)

۳. گستره فعالیت‌ها

حاج قاسم در عتبات به توسعه فیزیکی و ساختمان‌سازی متمرکز نبود، بلکه در پوشش ستاد بازسازی عتبات به مسأله فرهنگی فکر می‌کرد و برنامه درازمدت داشت. او در این قدم سعی و تلاش داشت که میان مردم ایران و عراق ارتباط معنوی و الهی برقرار بکند. بعد از سقوط صدام، بلافاصله ستادی تحت عنوان «پشت‌بانی از مردم مظلوم عراق» کیل داد و حدود چهارده هزار عراقي را - که صدام اخراج کرده و در زمان جنگ در ایران به سر می‌بردند - به وطن خود برگرداند و در شهرهای مختلف عراق اسکان داد. حاج قاسم در یک فراخوانی اعلام کرد: هر راننده‌ای آمادگی دارد که وسائل زندگی اینها را به همراه خانواده به عراق منتقل کند، در قبال آن می‌تواند به صورت راگان به زیارت عتبات عالیات مشرف شود. به دنبال آن حدود ۴۵ هزار راننده وانت‌بار نیسان اعلان آمادگی کردند و داوطلب شدند و از طریق ابرنامه همه آنان جایه‌جا شدند. (مستند حکمت) حاج قاسم در تحکیم این ارتباط می‌گفت: «اید همه عراقی‌ها فارسی یاد بگیرند و همه ایرانیان نیز آموزش زبان عربی ببینند تا بدین وسیله بهتر بتوانند همدیگر را درک بکنند و یکی بشوند»؛ از جمله معتقد بود برای اینکه روابط تجاری دو کشور بهبود یابد و تقویت بشود، باید در عراق کالاهای ایرانی وجود داشته باشد. (همان)

از آن‌مله فعالیت‌های مهم و سرنوشت‌ساز حاج قاسم در عراق، راهاندازی، توسعه و سازماندهی مراسم با شکوه پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. همان طوری که می‌دانید شتر این مراسم تنها با حضور مردم عراق و با تعداد اندکی انجام می‌گرفت؛ ولی با مدیریت و نگاه کلان‌وی، مردم ایران نیز به این مراسم اضافه شدند و جمعیت میلیونی تشکیل دادند؛ سپس در ادامه همین سیاست سلیمانی، شیعیان دیگر کشورها - مانند، لبنان، سوریه، هندوستان، پاکستان، کشمیر و حتی برادران اهل سنت و سیحیان - نیز

حضور پیدا کردند و همه اینها در سایه مدیریت و هدایت ستودنی و کلان‌نگری ایشان به این پدیده مبارک بود.

۴. آینده ستاد

سردار سرافراز حاج قاسم سلیمانی، ستاد بازسازی عتبات را ک عمل کوثرانه و صدقه جاریه می‌دانست و ارزش زیادی برای آن قائل بود. (خبرگزاری فارس، ۱۱/۶/۱۳۹۸). او به ستاد بازسازی نگاه کلان دینی، فرهنگی و انقلابی داشت. به پیشنهاد برخی همکاران و با موافقت ایشان، بندهایی در اساسنامه ستاد گنجانده شده بود که در آنده هر کجا نیازی به نیروهای ستاد شد بی‌درنگ وارد شود و در خدمت مردم مستضعف در ایران و خارج ایران باشد؛ چنان که در ماجراهی سیل مناطق آق‌قلا و خوزستان، حاج قاسم علاوه بر نیروهای ستاد، حتی برادران حشد الشعوبی را در جهت کمک به سیل‌زدگان بسیج کرد و خودش هم هدایت و مدیریت آن را بر عهده گرفت.

نتیجه‌گیری

زندگی سراسر شور و نشاط و تحرک و تعهد سردار سلیمانی نشان می‌دهد که هر انسانی می‌تواند از صفر شروع کند و به رشد و تعالی برسد و قله‌های انسانیت و خدمت به مردم را یکی پس از دگری به تسخیر خود درآورد. در زندگی این شهید بزرگ اخلاص، تعهد، ولایت‌پذیری محض، نقش تعیین کننده دارد و رمز موفقیت به شمار می‌آید؛ به علاوه صدق و صداقت – که مادر همه آن فضائل اخلاقی است و خصایص پیشین از این ریشه می‌گیرد – در وجود حاج قاسم موج می‌زد و توانست او را به سردار دل‌ها تبدیل کند و به اوج رساند؛ همین سبب او یک مکتب شد که باید برای ترویج این مکتب تلاش کرد.

فهرست منابع

۱. افضلی، یوسف (۱۳۹۸)، پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس. ۱۳۹۸/۱۱/۶.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. ۱۳۹۸ / ۱۱ / ۱۸. بیانات در جمع مردم قم.
۳. خبرگزاری خبر آنلاین (۱۳۹۸)، سردار سلیمانی؛ جوان ۲۳ ساله‌ای که «ژنرال بی‌سایه» خاورمیانه شد، ۱۳۹۶/۹/۲.
۴. خبرگزاری خبر آنلاین (۱۳۹۸)، مروی بر فعالیت‌های نیروی قدس سپاه و سردار سلیمانی؛ از بوسنی تا سوریه، ۹۸/۱۱/۱.
۵. روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه، ۱۳۹۸ / ۱۱ / ۲۶، شماره ۱۱۶۰۳.
۶. مزدآبادی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، ذوالفقار، برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی، تهران، یا زهراء^ع، چاپ ششم.
۷. عبداللهیان، امیر، خبرگزاری دانشجویان ایران، (ایستنا) ۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۹.
۸. قهرمان جهاداکبر (۱۳۹۸)، ویژه مه چهلمین روز شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۸، شماره ۱۱۶۴۹، سال چهل و یکم.
۹. کریمانه، روایت حضور مقام معظم رهبری در منازل شهدای استان کرمان، انتشارات صهبا، چاپ دوم، فروردین ۱۳۹۶.
۱۰. مستند حکمت سلیمانی، پخش شده در شبکه سه صدا و سیما، سوم اسفند ۱۳۹۸.
۱۱. هفته‌نامه حریم امام، سال هشتم، شماره ۴۰۷، ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۹۸.